



۲۰۱۳/۰۶/۰۷

میر عنایت الله سادات

همبستگی بخاطر نجات وطن

وضع موجود در افغانستان نه تنها مایه امیدواری و خوش بینی مردم ما نیست، بلکه بخاطر جابجا شدن عوامل منفی در درون جامعه و مشی خرابکارانه دوهمسایه ذی نفوذ در برابر برقراری صلح و تأمین امنیت در افغانستان، مردم را نسبت به آینده شان نگران ساخته است.

تداوم و افزایش نا امنی ها، فساد اداری، فرار سرمایه، تجاوزات بیرونی ها بر تمامیت ارضی و بالاخره سیاست بازی های مفتضح دولت، همه و همه دست به دست هم داده و مردم رنج کشیده ما را دچار تشویش مینماید. به همین جهت از هر گوشه و کنار کشور، این شک و تردید شنیده می میشود که مبادا پس از بیرون رفت قوای بین المللی، بار دیگر سرنوشت شان به پاکستان محول گردد. در آن حالت، حوادث دلخراش گذشته به وسیله عمال آن کشور تکرار خواهد شد.

مردم ما از "حاکمیت سهامی" موجود و عملکرد های آن، هیچ امیدی ندارند. حتی جامعه بین المللی هم مأیوس به نظمی رسد. چندین بار آنها در کنفرانس های بین المللی مأیوس بودن شان را ابراز کرده و به قدرتمندان موجود در افغانستان هوشدار داده اند که اگر فساد اداری برچیده نشود، آنها کمک های خود را به مردم مظلوم افغانستان متوقف خواهند ساخت. در کنفرانس اخیر وزرای دفاع کشورهای ناتو در بروکسل (بتاریخ ششم جون) نیز تداوم کمکها، از اصلاحات اداری، بخصوص طرد فساد مشروط ساخته شده است.

اما این هوشدارها در چنان سطح و با این وضاحت هم نتوانست که سبب سالم سازی اداره و اخراج مفسدان از قدرت دولتی شود. حتی در سطح جهانی، قرار گرفتن دولت افغانستان از نگاه فساد اداری درمقام دوم، موجب سرافکنگی و خجالت قدرتمندان مفسد نشد.

آنها به اعمال شنیع خود ادامه میدهند و ناظران بین المللی هم به غیر از صدور قطعنامه ها، کاری از پیش نمی برند. زیرا خودکرده را درمان نیست. کشورهای همین ناظران بودند که زیر نام دیموکراسی، دشمنان دیموکراسی را از حضيض ترین نقاط ذلت و ضعف بر مسند قدرت بالا کشیدند و سرنوشت ملت غیور افغان را به دست آنها سپردند.

این دست نشانندگان، کوچکترین عبرت از گذشته خود نگرفته و پیوسته دست بکار بودند تا با دسایس الحیل، جلو رشد و همگانی شدن یک تفکر ملی را در افغانستان بگیرند. بخاطر برآورده شدن این مقصود شوم، آنها نگذاشتند که افغانها نمایندگان واقعی شان را از طریق مشروع و انتخابات بدون تقلب به قدرت برسانند.

اگر این دسایس موفق نمی شد و افغانهای دلسوز و معتقد به آرمان های مردم افغانستان در تشکیلات قوای ثلاثه دولت جابجا می بودند، طبعاً مردم افغانستان حالا با بیرون رفت قوای بین المللی تشویش نمی داشتند. در آنصورت آنها می دانستند که سرنوشت شان در دست های مطمئن قرار دارد.

اگر این تشویش ها بجا است؟ پس چی باید کرد؟

اخیراً بعضی از شخصیت ها و قلم بدستان آگاه، وضع موجود را به بررسی گرفته و بخاطر نجات وطن شان، تحقق مفاهیمی چون وفاق ملی، همبستگی ملی و اجماع ملی را مطرح نمودند(۱). احساس و نظریات آنها قابل درک است.

همینطور باید معترف بود که تحقق این مفاهیم، یگانه وسیله بی می باشد تا افغانها از طریق آن به سرمنزل مقصود برسند.

اما سؤال این است که این خواست چگونه تحقق یافته می تواند؟ زیرا برداشت ها، متناسب به نقاط نظر هر فرد، متفاوت می باشد. درست است که هیچکس نادیده گرفته نشود و نباید کسی بیرون از اجماع ملی قرار داده شود. اما ضرورت حکم می کند تا ابتکار عمل و قیادت باید در دست نیرو های ملی و شخصیت های پاک نفس و صادق قرار داشته باشد. در غیر آن، این آب هم به آسیاب دشمن افتاده و استخبارات پاکستان و ایران به نفع خود شان از آن استفاده می نمایند.

چند روز پیش آقای حامد کرزی هم اصطلاح " اجماع ملی" را بکار گرفته و ضرورت آنرا تأیید نمودند. شاید منظور وی حذف انتخابات سال آینده و تمدید مقام ریاست جمهوری شان از طریق تدویر یک لویه جرگه باشد. یا اینکه با پیشکش نمودن این شعار میخواد اختلافات فی مابین قدرتمندان مفسد و چپاولگران را حل و فصل نماید.

به هر صورت باید مترصد اوضاع بود و نگذاشت که زیر نام تدویر لویه جرگه، اساسی ترین حق مدنی مردم افغانستان یعنی "حق انتخاب" از آنها گرفته شود.

اگر چگونگی تحقق وفاق ملی، همبستگی ملی و اجماع ملی معین نشود، این مفاهیم هم مسخ شده و بحران شدت خواهد یافت. بر عکس اگر این مفاهیم به معنی واقعی آن و مطابق اصول عادلانه و بر مبنای دیموکراسی جامه عمل بپوشند، ملت افغان توانمندی خود را بدست آورده و بر بحران موجود، غلبه خواهند نمود.

منظور از پیشکش نمودن مفاهیم فوق، این است تا نیروهای پراکنده ملت به دور این عناوین که فی الواقع هدف واحد را افاده میدارند، بسیج شوند. مشارکت و همبستگی آنها باید بر اساس منافع ملی استوار باشد. شرکت انسانهای غیر وابسته به فساد و سهم فعال نسل جوان، پایه های همبستگی ملی را تحکیم می کند.

تمام سازمانهای های سیاسی و اجتماعی که بخاطر نجات وطن از بحران می رزمند و شخصیت های خوش نام جامعه افغانی باید برای یک برنامه وسیع الینیاد، بخاطر نجات افغانستان درین مقطع زمانی گرد هم آیند. گردهمایی و اتحاد آنها سنگر مطمئن دفاع از وطن و منافع ملی مردم مارا بوجود میآورد.

در اتکاء به چنین یک سنگر، انتخابات آینده میتواند مطابق اراده مردم افغانستان تدویر یابد. تدویر انتخابات شفاف و کنترل بر جریان برگزاری آن، میتواند تنها در پرتو اتحاد عمل تمامی نیروهای ملی و وطن دوست انجام یابد. در تحت چنین شرایط، مردم میتوانند یک شخصیت کاردان و مورد پسند همه را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد نمایند.

آن افرادی که بخاطر برآورده شدن این مأمول، هنوز هم از گرایش های سمتی، قومی، مذهبی و یا سایر تعلقات نامطلوب گذشته خود فاصله نمیگیرند، باید فوراً از پروسه وفاق ملی منفک شوند. طبعاً با چنین تصفیه کاری، توانایی و کارایی اجماع ملی افزایش خواهد یافت.

پایان

توجه شود به نوشته های محترمان حکیم روان و احمد سعیدی در سایت افغان جرمن آنلاین -^۱